



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفترتشریح

شماره ۱۱۲/۱۸۵۶۴۱

تاریخ ۱۳۸۴/۰۹/۳۰

پست

بیت‌المال

ورود به دبیرخانه شورای نگهبان

شماره ثبت: ۸۴، ۱۱، ۷۴۸

تاریخ ثبت: صبح

انجام گرفته: عصر ۸۴، ۱۰، ۱

شورای محترم نگهبان

لایحه دیوان عدالت اداری که از سوی دولت به شماره ۲۶۶۱۳/۲۲۶۶۰ مورخ ۱۳۸۲/۴/۲۹ به مجلس شورای اسلامی تقدیم و در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۸۴/۹/۲۷ مجلس با اصلاحاتی به تصویب رسید، در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جهت بررسی و اظهار نظر آن شورای محترم به پیوست ارسال می‌گردد.

غلامعلی حداد عادل

رئیس مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۱۱۲/۱۸۵۶۴۱

تاریخ ۱۳۸۴/۰۹/۳۰

پست

بیت‌المالی

لایحه دیوان عدالت اداری

فصل اول - تشکیلات

ماده ۱ - در اجرای اصل یکصد و هفتاد و سوم (۱۷۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین و ادارات و آیین‌نامه‌های خلاف قانون یا شرع یا خارج از حدود اختیارات مقام تصویب‌کننده، دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌شود.

ماده ۲ - دیوان عدالت اداری که در این قانون «دیوان» نامیده می‌شود، در تهران مستقر می‌باشد. تعیین تعداد شعب دیوان، به پیشنهاد رئیس دیوان و تصویب رئیس قوه قضائیه است.

ماده ۳ - قضات دیوان باید دارای پانزده سال سابقه کار قضایی باشند. در مورد قضات دارای مدرک کارشناسی ارشد یا دکتری در یکی از گرایشهای رشته حقوق یا مدارک حوزوی معادل، داشتن ده سال سابقه کار قضایی کافی است. تبصره - قضات شاغل در دیوان و قضاتی که حداقل پنج سال سابقه کار قضایی در دیوان دارند، از شمول این ماده مستثنی هستند.

ماده ۴ - رئیس دیوان که با حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شود، رئیس شعبه اول دیوان نیز می‌باشد و به تعداد مورد نیاز معاون و مشاور خواهد داشت. قضات دیوان به پیشنهاد رئیس دیوان و با حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شوند.

ماده ۵ - تشکیلات قضایی و اداری دیوان توسط رئیس دیوان پیشنهاد و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.



سبب استیضاح

ماده ۶- بودجه دیوان در ردیف مستقل ذیل ردیف بودجه قوه قضائیه منظور خواهد شد.

ماده ۷- هر شعبه دیوان دارای یک رئیس و دو مستشار خواهد بود. ملاک در صدور رأی، نظر اکثریت است. آراء صادره توسط شعب دیوان قطعی است.

ماده ۸- در صورت مرخصی یا عدم حضور رئیس شعبه به مدت بیش از دو هفته متوالی، یکی از دادرسان علی البدل با ابلاغ رئیس دیوان جایگزین وی می شود. همچنین هرگاه رئیس شعبه اول در رأی شرکت نداشته باشد، با ابلاغ وی یکی از دادرسان علی البدل در رسیدگی و صدور رأی مشارکت می نماید.

ماده ۹- تعدادی کارشناس از رشته های مورد نیاز دیوان که حداقل دارای ده سال سابقه کار اداری و مدرک کارشناسی یا بالاتر باشند، به عنوان مشاور دیوان تعیین می شوند. در صورت نیاز به مشاوره و کارشناسی، به درخواست شعبه، پرونده به مشاور یا مشاوران ارجاع می شود. شعبه پس از ملاحظه نظر مزبور مبادرت به صدور رأی می نماید.

تبصره ۱- مشاوران موضوع این ماده لازم است علاوه بر شرط علمی و سابقه کار مندرج در این ماده، دارای شرایط مذکور در بندهای (۱) تا (۴) ماده واحده قانون شرایط انتخاب قضات منصوب ۱۳۶۱/۲/۱۴ نیز باشند.

تبصره ۲- مشاوران مزبور پس از احراز صلاحیت با حکم رئیس قوه قضائیه به صورت استخدام رسمی یا قراردادی منصوب می شوند و حقوق و مزایای آنان برابر حقوق و مزایای دادرسان علی البدل دیوان خواهد بود.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۱۱۲/۱۸۵۶۴۱

تاریخ ۱۳۸۴/۰۹/۲۰

پست

بیت المال

ماده ۱۰ - به منظور تجدیدنظر در آراء شعب دیوان در مواردی که در مواد بعدی این قانون مشخص شده است، شعب تشخیص دیوان از یک رئیس یا دادرس علی البدل و چهار مستشار تشکیل می شود و ملاک در صدور رأی، نظر موافق حداقل سه عضو است. شعب تشخیص علاوه بر صلاحیت مذکور در این ماده، صلاحیت رسیدگی به سایر پرونده ها را نیز دارند.

ماده ۱۱ - هیأت عمومی دیوان به منظور ایفای وظایف و اختیارات مندرج در این قانون، با شرکت حداقل دو سوم قضات دیوان به ریاست رئیس دیوان و یا معاون قضایی وی تشکیل می شود و ملاک در صدور رأی، نظر اکثریت اعضای حاضر می باشد.
تبصره - مشاوران موضوع ماده (۹) این قانون می توانند با دعوت رئیس دیوان بدون حق رأی، در جلسات هیأت عمومی شرکت کرده و در صورت لزوم نظرات کارشناسی خود را مطرح نمایند.

ماده ۱۲ - به منظور اجرای احکام صادره از شعب دیوان، واحد اجرای احکام زیر نظر رئیس دیوان یا یکی از معاونان وی تشکیل می شود و تعدادی دادرس علی البدل اقدام به اجرای احکام صادره می نمایند.

فصل دوم - صلاحیت و اختیارات دیوان

ماده ۱۳ - حدود صلاحیت و اختیارات شعب دیوان به قرار ذیل است:
۱ - رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی نسبت به اقدامات و تصمیمات واحدهای اداری قوای سه گانه و نیروهای نظامی و انتظامی، مؤسسات و شرکتهای دولتی، شهرداریها، نهادها و مؤسسات عمومی احصاء شده در «قانون فهرست



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۱۱۳/۱۸۵۶۴۱

تاریخ ۱۳۸۴/۰۹/۳۰

پست

بیت‌المالی

نهادها و مؤسسات عمومی غیر دولتی و اصلاحات بعدی آن».

۲- رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی نسبت به اقدامات و تصمیمات و آراء قطعی مراجع اختصاصی اداری اعم از هیأتها و شوراهای و کمیسیونها و دادگاههای اداری و انتظامی و کمیته‌های انضباطی و نظایر آنها، از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آن.

۳- رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات قضات، اعضای هیأت‌های علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، مشمولین «قانون استخدام کشوری» و سایر مستخدمین واحدها و مؤسسات مذکور در بند (۱) این ماده و همچنین مستخدمین مؤسساتی که شمول این قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام است اعم از لشکری و کشوری، نسبت به اقدامات و تصمیمات متخذه از سوی واحدها و مؤسسات مذکور، از حیث تضییع حقوق استخدامی.

۴- رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی نسبت به اقدامات و تصمیمات مأمورین واحدها و مؤسسات دولتی و عمومی مذکور در بندهای (۱)، (۲) و (۳) این ماده، صرفاً در رابطه با امور راجع به وظایف و مسؤولیت‌های قانونی مربوط به آنان.

۵- رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی نسبت به خودداری واحدها و مؤسسات دولتی و عمومی و مراجع اختصاصی اداری و یا مأمورین آنها به شرح مذکور در بندهای قبلی این ماده، از انجام وظایف و مسؤولیت‌های قانونی مربوطه که موجب تضییع حقوق آنان شده باشد.

۶- رسیدگی به شکایات راجع به تصمیمات و مصوبات و آراء قطعی دانشگاه آزاد اسلامی و سایر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی غیرانتفاعی به استثنای مواردی از قبیل ممیزی، ارزیابی علمی و نقل و انتقالات دانشجویی، هیأت‌های حل اختلاف قانون شوراهای اسلامی و سازمانهای اداری حرفه‌ای از قبیل سازمان نظام پزشکی و سازمان



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۱۱۳/۱۸۵۶۴۱

تاریخ ۱۳۸۴/۰۹/۳۰

پست

بیتالی

نظام مهندسی.

تبصره ۱ - شکایت و اعتراض نسبت به آراء دادگاهها و سایر مراجع قضایی، قابل رسیدگی در دیوان نمی باشد.

تبصره ۲ - در کلیه موارد مذکور در بند (۲) این ماده، در صورتی که آراء و تصمیمات مورد شکایت به وسیله شعبه دیوان نقض شود، پرونده جهت رسیدگی مجدد به مرجع مزبور اعاده می شود و مرجع مذکور موظف به رعایت مفاد رأی دیوان در این پرونده و تصمیمات بعدی خود می باشد.

ماده ۱۴ - در صورتی که تصمیمات و اقدامات موضوع شکایت، موجب تضییع حقوق اشخاص شده باشد، شعبه رسیدگی کننده، حکم مقتضی مبنی بر نقض رأی یا لغو اثر از تصمیم و اقدام مورد شکایت یا الزام طرف شکایت به اعاده حقوق تضییع شده، صادر می نماید.

تبصره - پس از صدور حکم بر اساس ماده فوق، مراجع طرف شکایت علاوه بر اجرای حکم، مکلف به رعایت مفاد آن در تصمیمات و اقدامات بعدی خود می باشند.

ماده ۱۵ - در صورتی که شاکی مدعی ورود خسارتی از ناحیه اشخاص یا مراجع مذکور در ماده (۱۳) گردد و دیوان صلاحیت رسیدگی به اصل شکایت را داشته باشد، شعبه دیوان پس از بررسی دلائل طرفین و احراز ورود خسارت، میزان خسارت را مشخص نموده و حکم به جبران آن صادر می نماید.

تبصره - شعب دیوان در رسیدگی به این موارد در حکم شعب حقوقی دادگستری می باشند و تشریفات رسیدگی در این قسمت از قبیل هزینه دادرسی و شرایط تجدیدنظر خواهی از سوی ذی نفع، مطابق مقررات قانون آیین دادرسی مدنی می باشد. شعب تشخیص نیز در رسیدگی به تجدیدنظر خواهی موضوع این ماده حسب مورد، در



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۱۱۲/۱۸۵۶۴۱

تاریخ ۱۳۸۴/۰۹/۳۰

پست

بیت عالی

دستمند

حکم شعب تجدیدنظر استان یا شعب دیوان عالی کشور می باشند.

ماده ۱۶ - در صورتی که شاکی ضمن طرح شکایت خود یا پس از آن مدعی شود که اجرای اقدامات یا تصمیمات یا آراء قطعی یا خودداری از انجام وظیفه توسط اشخاص و مراجع مذکور در ماده (۱۳)، سبب ورود خسارتی می گردد که جبران آن غیر ممکن یا متعسر است، شعبه رسیدگی کننده در صورت احراز ضرورت و فوریت موضوع، بر حسب مورد دستور موقت مبنی بر توقف اجرای اقدامات، تصمیمات و آراء مزبور یا انجام وظیفه، صادر می نماید.

تبصره - دستور موقت تأثیری در اصل شکایت ندارد و در صورت رد شکایت یا صدور قرار اسقاط یا ابطال یا رد دادخواست اصلی، ملغی الاثر می گردد.

ماده ۱۷ - در صورتی که حداقل یکی از دوقاضی یا دوقاضی از سه قاضی صادرکننده رأی، متوجه اشتباه شکلی یا ماهوی در رسیدگی خود شوند، ضمن اعلام نظر مستند و مستدل مکتوب، پرونده را جهت ارجاع به شعبه تشخیص به دفتر رئیس دیوان ارسال می نمایند.

تبصره - صدور حکم اصلاحی در مورد سهواً القلم یا اشتباه محاسبه و یا رفع ابهام که توسط شعبه صادرکننده رأی انجام می شود، مشمول این ماده نمی باشد.

ماده ۱۸ - در صورتی که یکی از طرفین دعوی بعد از صدور رأی، مدارک جدیدی تحصیل نماید که مؤثر در رأی باشد، می تواند با ارائه مدارک جدید از شعبه صادرکننده رأی، تقاضای اعاده دادرسی نماید. شعبه خارج از نوبت به موضوع رسیدگی می کند.

تبصره - در صورتی که شعبه تقاضای مزبور را موجه تشخیص دهد، دستور توقف اجرای رأی را صادر می نماید.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۱۱۲/۱۸۵۶۴۱

تاریخ ۱۳۸۴/۰۹/۳۰

پست

بیت‌المالی

ماده ۱۹ - در صورتی که رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان، آراء دیوان را واجد اشتباه بین شرعی یا قانونی تشخیص دهد، موضوع جهت بررسی به شعبه تشخیص ارجاع می‌شود. شعبه مزبور در صورت وارد دانستن اشکال، اقدام به نقض رأی و صدور رأی مقتضی می‌نماید.

تبصره - آرای که به موجب این ماده صادر شده، قابل رسیدگی مجدد نمی‌باشد.

ماده ۲۰ - حدود صلاحیت و اختیارات هیأت عمومی دیوان به شرح زیر است:

- ۱ - رسیدگی به اعتراض اشخاص حقیقی یا حقوقی نسبت به تصویب‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و تصمیمات اداری و سایر مقررات و نظامنامه‌های صادره از قوای سه‌گانه، نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی از حیث مخالفت مدلول آنها با احکام شرع و یا مغایرت آنها با قانون اساسی یا عادی و یا خارج بودن آنها از حدود اختیارات مرجع تصویب‌کننده.
- ۲ - صدور رأی وحدت رویه در مورد آراء متناقض صادره از شعب دیوان.
- ۳ - صدور رأی وحدت رویه در صورتی که نسبت به موضوع واحد، آراء مشابه متعدد صادر شده باشد.

ماده ۲۱ - اثر ابطال مصوبات توسط هیأت عمومی از تاریخ تصویب مصوبه ابطال شده، می‌باشد.

فصل سوم - ترتیب رسیدگی در دیوان

ماده ۲۲ - رسیدگی در دیوان مستلزم تقدیم دادخواست است که به زبان فارسی و بر روی برگه‌های چاپی مخصوص نوشته می‌شود. دادخواست و تصویر مصدق کلیه مدارک و



بیتالی

مستندات پیوست آن، باید به تعداد طرف دعوی به علاوه یک نسخه باشد.

تبصره ۱ - در مورد پرونده‌هایی که با قرار عدم صلاحیت از مراجع قضایی دیگر ارسال می‌شود، نیاز به تقدیم دادخواست نیست.

تبصره ۲ - هزینه دادرسی در شعبه دیوان پنجاه هزار (۵۰ ۰۰۰) ریال و در شعبه تشخیص یکصد هزار (۱۰۰ ۰۰۰) ریال می‌باشد.

تبصره ۳ - چنانچه دادخواست تسلیم شده به دیوان فاقد امضاء یا یکی از شرایط مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی باشد، مدیر دفتر شعبه مطابق قانون مزبور عمل می‌نماید.

ماده ۲۳ - دادخواست توسط رئیس دیوان به یکی از شعب ارجاع می‌شود. دفتر شعبه یک نسخه از دادخواست و ضمائم آن را به طرف شکایت ابلاغ می‌نماید. طرف شکایت موظف است ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، نسبت به ارسال پاسخ اقدام کند. عدم وصول پاسخ، مانع رسیدگی نبوده و شعبه با توجه به مدارک موجود، به پرونده رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

ماده ۲۴ - وکالت در دیوان وفق مقررات قانون آیین دادرسی مدنی است.

ماده ۲۵ - شعبه رسیدگی کننده می‌تواند هرگونه تحقیق یا اقدامی را که لازم بداند انجام دهد یا انجام تحقیقات و اقدامات لازم را از ضابطین قوه قضاییه و مراجع اداری بخواهد و یا به سایر مراجع قضایی نیابت دهد. ضابطین و مراجع مزبور مکلفند ظرف مهلتی که شعبه دیوان تعیین می‌کند، تحقیقات و اقدامات خواسته شده را انجام دهند. تخلف از این ماده حسب مورد مستلزم مجازات اداری یا انتظامی است.

ماده ۲۶ - مرجع رسیدگی به تقاضای دستور موقت موضوع ماده (۱۶) قانون، شعبه‌ای



بیت‌سالی

است که به اصل دعوی رسیدگی می‌کند لکن در مواردی که ضمن درخواست ابطال مصوبات از هیأت عمومی، تقاضای دستور موقت شده باشد، ابتدا پرونده جهت رسیدگی به تقاضای مزبور به یکی از شعب ارجاع می‌شود و در صورت صدور دستور موقت در شعبه مرجوع‌الیه، پرونده در هیأت عمومی خارج از نوبت رسیدگی خواهد شد.

ماده ۲۷ - سازمانها، ادارات، هیأتها و مأموران طرف شکایت پس از صدور و ابلاغ دستور موقت، مکلفند بر طبق آن اقدام نمایند و در صورت استنکاف، شعبه صادر کننده دستور موقت، متخلف را به انفصال موقت از شغل به مدت شش ماه تا یک سال و جبران خسارت وارده محکوم می‌نماید.

ماده ۲۸ - شعبه دیوان موظف است در صورت صدور دستور موقت، نسبت به اصل دعوی خارج از نوبت رسیدگی و رأی مقتضی صادر نماید.

ماده ۲۹ - در صورت حصول دلایل مبنی بر عدم ضرورت ادامه دستور موقت، شعبه رسیدگی کننده نسبت به لغو آن اقدام می‌نماید.

ماده ۳۰ - مقررات مربوط به ورود ثالث، جلب ثالث، اعتراض ثالث و استماع شهادت شهود در دیوان عدالت اداری، مطابق قانون آیین دادرسی مدنی است.

ماده ۳۱ - در صورتیکه محتوای شکایت و دادخواست مطروحه در شعبه دیوان، حاوی مطالبی علیه شخص ثالث نیز باشد، این امر مانع رسیدگی شعبه به پرونده نخواهد بود.

ماده ۳۲ - شعبه دیوان می‌تواند هر یک از طرفین دعوی را برای اخذ توضیح دعوت نماید و در صورتیکه شکایت از ادارات و واحدهای مذکور در ماده (۱۳) این قانون باشد،



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۱۱۳/۱۸۵۶۴۴

تاریخ ۱۳۸۴/۰۹/۳۰

پست

بیت‌المال

طرف شکایت مکلف به معرفی نماینده است.

تبصره ۱- در صورتیکه شاکی پس از ابلاغ برای ادای توضیح حاضر نشود یا از ادای توضیحات مورد درخواست استنکاف کند، شعبه دیوان با ملاحظه دادخواست اولیه و لایحه دفاعیه طرف شکایت یا استماع اظهارات او، اتخاذ تصمیم می‌نماید و اگر اتخاذ تصمیم ماهوی بدون اخذ توضیح از شاکی ممکن نشود، قرار ابطال دادخواست را صادر می‌کند.

تبصره ۲- در صورتیکه طرف شکایت شخص حقیقی یا نماینده شخص حقوقی باشد و پس از احضار بدون عذر موجه، از حضور جهت ادای توضیح خودداری کند، شعبه او را جلب نموده یا به انفصال موقت از خدمات دولتی به مدت یکماه تا یکسال محکوم می‌نماید.

تبصره ۳- عدم تعیین نماینده توسط طرف شکایت یا عدم حضور شخص مسئول در مهلت اعلام شده از سوی شعبه دیوان، موجب انفصال موقت وی از خدمات دولتی از دو ماه تا یکسال می‌باشد.

ماده ۳۳- در صورت درخواست رئیس دیوان یا هر یک از شعب دیوان، کلیه واحدهای دولتی، شهرداریها و سایر مؤسسات عمومی و مأموران آنها، مکلفند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ نسبت به ارسال اسناد و پرونده‌های مورد مطالبه اقدام نمایند و در صورتیکه ارسال اسناد ممکن نباشد، دلایل آن را به دیوان اعلام کنند. متخلف به حکم شعبه به انفصال موقت از خدمات دولتی از یک ماه تا یک سال یا کسر یک سوم حقوق و مزایا به مدت سه ماه تا یکسال محکوم می‌شود.

ماده ۳۴- موارد رد دادرس در دیوان و نحوه ابلاغ اوراق، آراء و تصمیمات دیوان، طبق قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد.

ماده ۳۵- کلیه اشخاص و مراجع مذکور در ماده (۱۳) این قانون مکلفند آراء دیوان را



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۱۱۴/۱۸۵۶۴۱

تاریخ ۱۳۸۴/۰۹/۳

پست

بیت‌المالی

پس از ابلاغ فوراً اجرا نمایند.

ماده ۳۶- در صورت استنکاف شخص یا مرجع محکوم علیه از اجرای رأی، شعبه صادرکننده رأی، به درخواست محکوم‌له، موضوع را به رئیس دیوان منعکس می‌کند. رئیس دیوان یا معاون او مراتب را جهت اجرا به یکی از دادرسان واحد اجرای احکام ارجاع می‌نماید.

ماده ۳۷- دادرس اجرای احکام از طرق زیر مبادرت به اجرای حکم می‌کند:
۱- احضار مسؤول مربوطه و اخذ تعهد بر اجرای حکم یا جلب رضایت محکوم‌له در مدت معین.

۲- دستور توقیف حساب بانکی محکوم‌علیه و برداشت از آن به میزان مبلغ محکوم‌به در صورتیکه حکم یکسال پس از ابلاغ اجرا نشده باشد.

۳- دستور توقیف و ضبط اموال شخص متخلف به درخواست ذی‌نفع بر طبق مقررات قانون آیین دادرسی مدنی.

۴- دستور ابطال اسناد یا تصمیمات اتخاذ شده مغایر با رأی دیوان.

ماده ۳۸- در صورتیکه محکوم علیه از اجرای رأی استنکاف نماید با رأی شعبه صادرکننده حکم، به انقصال موقت از خدمات دولتی تا پنج سال و جبران خسارت وارده محکوم می‌شود. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعبه تشخیص دیوان می‌باشد.

ماده ۳۹- در مورد درخواست ابطال مصوبات، مشخص نمودن علل درخواست و ذکر موارد مغایرت مصوبه با شرع یا قانون یا خروج از اختیارات و همچنین ماده قانونی یا حکم شرعی که اعلام مغایرت مصوبه با آن شده است، ضروری می‌باشد.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۱۱۲/۱۸۵۶۴۱

تاریخ ۱۳۸۴/۰۹/۳۰

پست

بیتالی

تبصره - در صورت عدم رعایت مفاد این ماده، مدیر دفتر هیأت عمومی موظف است ظرف پنج روز پس از ثبت درخواست با ذکر نقائص موجود، اخطار رفع نقص صادر کند. هرگاه متقاضی ظرف ده روز پس از ابلاغ نسبت به رفع نقص اقدام نکند، مدیر دفتر قرار رد درخواست را صادر می نماید. این قرار قطعی است.

ماده ۴۰ - در مواردی که به تشخیص رئیس دیوان، رسیدگی به درخواست ابطال مصوبه موضوعاً منتفی باشد، مانند موارد استرداد درخواست از سوی متقاضی یا وجود رأی قبلی دیوان در مورد مصوبه، رئیس دیوان قرار رد درخواست را صادر می کند. این قرار قطعی است.

ماده ۴۱ - در صورتی که رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان به هر نحو از مغایرت یک مصوبه با شرع یا قانون یا خروج آن از اختیارات مقام تصویب کننده مطلع شود، موظف است موضوع را در هیأت عمومی مطرح و ابطال مصوبه را درخواست نماید.

ماده ۴۲ - در صورتی که مصوبه به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد، موضوع جهت اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال می شود، نظر فقهای شورای نگهبان برای هیأت عمومی، لازم الاتباع است.

ماده ۴۳ - هیأت عمومی، در اجرای بند (۱) ماده (۲۰) می تواند تمام یا قسمتی از مصوبه را ابطال نماید.

ماده ۴۴ - هرگاه در موارد مشابه آراء متناقض از یک یا چند شعبه دیوان صادر شود، رئیس دیوان موظف است به محض اطلاع، موضوع را در هیأت عمومی دیوان مطرح نماید و هیأت پس از بررسی و احراز تعارض، نسبت به صدور رأی اقدام می نماید. این رأی برای



بیتالی

شعب دیوان و سایر مراجع قضایی و اداری در موارد مشابه لازم‌الاتباع است. اثر رأی مذکور نسبت به آینده است و موجب نقض آراء سابق نمی‌شود لکن در مورد احکامی که در هیأت عمومی مطرح و غیر صحیح تشخیص داده می‌شود شخص ذی‌نفع ظرف یک ماه از تاریخ درج رأی در روزنامه رسمی حق تجدیدنظرخواهی در شعب تشخیص را دارد و شعبه تشخیص موظف به رسیدگی و صدور رأی برطبق رأی وحدت رویه است.

ماده ۴۵ - هرگاه در موضوع واحدی حداقل پنج رأی مشابه از شعب مختلف دیوان صادر شده باشد با نظر رئیس دیوان، موضوع در هیأت عمومی مطرح و رأی وحدت رویه صادر می‌شود. این رأی برای شعب دیوان، ادارات و اشخاص حقیقی و حقوقی ذی‌ربط لازم‌الاتباع است.

تبصره - پس از صدور رأی وحدت رویه، رسیدگی به شکایات موضوع این ماده در شعب دیوان به صورت خارج از نوبت و بدون نیاز به تبادل لوایح انجام می‌گیرد.

ماده ۴۶ - هرگاه پس از انتشار رأی هیأت عمومی دیوان در روزنامه رسمی کشور، مسؤولان ذی‌ربط از اجرای آن استنکاف نمایند به تقاضای ذی‌نفع یا رئیس دیوان و با حکم یکی از شعب دیوان، مستنکف به انفصال موقت از خدمات دولتی از سه ماه تا یک سال و یا پرداخت جزای نقدی از یک میلیون (۱ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال و جبران خسارت وارده محکوم می‌شود.

ماده ۴۷ - مرجع حل اختلاف در صلاحیت بین شعب دیوان و سایر مراجع قضایی پس از کسب نظر مشاوران دیوان عدالت اداری، دیوان عالی کشور است.

ماده ۴۸ - پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون، رسیدگی به کلیه پرونده‌های مطروحه در شعب تجدیدنظر سابق دیوان همچنین رسیدگی به اعتراضات وارده نسبت به آراء غیر قطعی شعب بدوی سابق با رعایت قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰ و



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفترتیش

شماره ۱۱۲/۱۸۵۶۴۱

تاریخ ۱۳۸۴/۰۹/۲۰

پوست

بیت‌المالی

اصلاحات بعدی، در شعب تجدیدنظر ادامه می‌یابد.

ماده ۴۹ - قوه قضائیه موظف است ظرف شش ماه لایحه آیین دادرسی دیوان راتبیه و از طریق دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید. تا زمان تصویب آیین دادرسی مزبور، برطبق این قانون و قوانین سابق عمل خواهد شد.

ماده ۵۰ - از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۶۰ و اصلاحات بعدی آن و کلیه قوانین مغایر با رعایت مواد (۴۸) و (۴۹) لغو می‌شوند.

لایحه فوق مشتمل بر پنجاه ماده و بیست تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و هفتم آذرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

غلامعلی حدادعادل

رئیس مجلس شورای اسلامی